

صفحه ۲۶-۴۱

نظریه امت اسلامی در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای

۱- زهرا مصلحی ۲- سعید اسلامی

۱- دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس

۲- دکتری علوم سیاسی، دانشیار، دانشگاه چالوس

z.moslehi33@gmail.com

eslameesaed44@gmail.com

چکیده

یکی از مفاهیم راهبردی در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای مدظله العالی که علاوه بر ابعاد ملی، جنبه های بین المللی برای جهان اسلام دارد، ایجاد «امت اسلامی» است. رهبر معظم انقلاب اسلامی، در آخرین روز شهریورماه ۱۴۰۳ در دیدار میهمانان کنفرانس وحدت، تشکیل «امت اسلامی» را یکی از مهم ترین درس های نبوی معرفی کردند و نکته ی مهم و قابل تأملی که ایشان اشاره فرمودند، فقدان «امت اسلامی» بوده است. با توجه به اهمیت این امر، مقاله حاضر تلاش دارد به این پرسش پاسخ دهد که مفهوم «امت اسلامی» در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای چه وجه تمایز عمده ای با معنای معمول این اصطلاح دارد؟ مفهوم «امت اسلامی» در اندیشه معظم له طرحی آرمانی است که به عنوان یکی از مؤلفه های «تمدن اسلامی»، قرار بر ساخت آن است. در واقع نگاه ایشان به این امر، سیری روشن و منطقی دارد و همچنین واقع گرایانه و دور از سطحی نگری و شعارزدگی است که با بیداری و احساس نیاز واقعی ملت های اسلامی به اتحاد و انسجام عملی محقق میشود و از منظر ایشان ایجاد این بیداری و خواست عمومی بر عهده ی خواص دنیای اسلام است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی، با محوریت دیدگاهها و بیانات آیت الله خامنه ای سامان یافته است.

کلمات کلیدی: نظریه امت اسلامی، عدالت اجتماعی، استقلال اقتصادی، تمدن اسلامی، آیت الله خامنه ای

مقدمه

مقاله حاضر به تبیین مفهوم امت اسلامی در باب نظریه جدید آیت الله خامنه ای در منظومه سیاسی ایشان نگارش شده است، که به تبیین نقش وحدت مسلمانان در ایجاد دنیای اسلام و تشکیل «امت اسلامی» با محوریت دیدگاه های مقام معظم رهبری است. در واقع اتحاد امت واحده از مبرم ترین نیازهای حیات جمعی مسلمانان است. همسویی پیروان آخرین دین الهی که جمعیت بیش از یک سوم ساکنین

زمین را تشکیل داده، حول محور توحید و اعتصام به حبل الهی بیش از هر زمان دیگر می‌تواند مسیر یکتاپرستی را فراروی بشریت تشنه‌ی امروز بگستراند و سهم و جایگاه خویش را در مدیریت جهانی بیابد و از تکه‌تکه شدن بیش از این دنیای اسلام جلوگیری کند.

در حقیقت همبستگی «امت اسلامی» از مسائل قابل توجهی است که لزوم و اهمیت آن از دیدگاه قرآن و سنت و منطق عقل و اجماع، به اثبات رسیده است. فقها، متکلمان، رهبران، محدثان و مفسران بزرگ اسلام نیز در طول چهارده قرن، به تأیید و تبیین وجوب و ضرورت آن در ابعاد مختلف پرداخته‌اند. از جمله رهبر معظم انقلاب که با حضور در صحنه مبارزه با استعمار، تلاش‌های علمی و عملی چشم‌گیری را برای وحدت امت اسلامی انجام داده‌اند. اهمیت وحدت مسلمانان، امت اسلامی و دنیای اسلام در نگاه آیت الله خامنه‌ای، آنگاه جلوه‌گر می‌شود که ایشان آرمان‌نهایی و نقطه اوج انقلاب را «ایجاد امت اسلامی و دنیای اسلام» دانسته و در فرایند تکاملی انقلاب اسلامی ایران، در راستای دستیابی به «امت اسلامی» و در نتیجه «تمدن اسلامی»، تلاش و برنامه‌ریزی می‌کنند. در واقع دغدغه‌ی رهبر معظم انقلاب اسلامی در زمینه «اتحاد و یکپارچگی دنیای اسلام»، دغدغه‌ای باسابقه و دیرپا است و بیراه نیست اگر بگوییم این یکی از دغدغه‌های اصلی و همیشگی ایشان بوده است.

اهمیت این نوشتار از این منظر است که وحدت بین مذاهب اسلامی، خمیرمایه و جوهره‌ی انسجام بخشی به جبهه‌ی اسلام ناب و شکل‌گیری «تمدن نوین اسلامی» بوده و تنها نسخه‌ی شفا بخش برای التیام دردهای پیکر زخم‌آلود امت اسلام در فضای غبارآلود کنونی است. آیت الله خامنه‌ای هم ضرورت پرداختن به این امر را اینگونه بیان میکنند که حکومت ما بر اساس حاکمیت اسلام است و حاکمیت اسلام بدون وحدت مسلمین امکان ندارد.

در باب پیشینه این نوشتار میتوان به کتاب امت اسلامی که در پنج گفتار تنظیم شده است حاصل سخنرانی‌های دکتر حسن رحیم پور ازغدی است که هدف اصلی آن بازخوانی اندیشه راهبردی رهبر معظم انقلاب درباره وحدت اسلامی است و توسط انتشارات انقلاب اسلامی به چاپ رسیده است. در جای جای کتاب مبنای فقهی و روایی این اندیشه راهبردی به چشم می‌خورد و راه را بر شبهاتی که وحدت را امری جدید تلقی می‌کنند و تفسیرهای غلط و سطحی از آن ارائه می‌کنند، با استدلال به آیات و روایات می‌بندد. همچنین کتاب امامت و امت دکتر علی شریعتی، کتاب امت واحده عباس رحیمی، کتاب جنبش‌های اسلامی معاصر اثر احمد موثقی و کتاب وحدت جهان اسلام اثر دکتر سید یحیی صفوی را میتوان اشاره کرد.

در واقع مقاله حاضر نکته‌ی مهم و نو و قابل تأملی را بررسی میکند که دغدغه اصلی و اساسی رهبر معظم انقلاب نسبت به فقدان «امت اسلامی» بوده است. با توجه به اهمیت این امر، مقاله حاضر تلاش دارد به این پرسش پاسخ دهد که مفهوم «امت اسلامی» در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای چه وجه تمایز عمده‌ای با معنای معمول این اصطلاح دارد. تا به این نکته برسد که مفهوم «امت اسلامی» در اندیشه معظم له طرحی آرمانی است که به عنوان یکی از مؤلفه‌های «تمدن اسلامی»، قرار بر ساخت آن است.

هدف از این پژوهش پیگیری منویات رهبر انقلاب در شرایط زمانی روز است. مخاطبین عام و آحاد مردم عموماً در فهم بیانات رهبری چنین رویکردی دارند. عنصر «زمان» در چنین رویکردی واجد اهمیت زیاد است و به تبع آن، بیاناتی که حسب شرایط روز بیان می‌شوند، مورد رجوع بیشتری قرار می‌گیرند. به تبع ضریب اهمیت این سنخ از بیانات برای عموم، در رسانه‌های عمومی نیز چنین برش‌هایی از بیانات بیشتر مورد تأکید قرار می‌گیرند. حال آنکه ممکن است در بیانات رهبر انقلاب مباحث عمیق‌تری وجود داشته باشد که عمدتاً به فراموشی سپرده می‌شود. این رویکرد هرچند به منظور جریان‌سازی و مطالبه‌گری در جامعه می‌تواند مفید باشد، اما عدم توجه به محتوای سایر قسمت‌های بیانات رهبری، خطر غفلت از مبانی اندیشه‌ی رهبر انقلاب را در پی دارد.

نکته قابل توجه این که در این نوشتار، به جهت رعایت اختصار، برای ارجاع به بیانات آیت الله خامنه ای، تنها تاریخ آنها در داخل پرانتز بیان شده است.

چارچوب نظری :

در واقع این طور بر می آید که کاربرد نظریه امت، تلاش برای عملیاتی کردن انترناسیونالیسم اسلامی (نگرش امت محوری) در قلمرو جغرافیای سیاسی اسلام در شرایط کنونی و در عصر دولتهای ملی و رقابت آنان در عرصه جهانی با توجه به اصول و ارزشهای عرفی جهانی مقبول و مرسوم و پاسداشت آن بوسیله نهادهای بین المللی اگر چه دچار تنگناهایی مهم است اما در فرایند بیداری اسلامی و تلاش برای همگرایی در منطقه جهان اسلام طی مراحل امکان پذیر است. لویی گارده اسلام شناس معروف فرانسوی است. ایشان در خصوص واژه امت که در نگرش اسلامی، جایگزینی برای ملت (به معنای امروزی آن) محسوب میشود چنین می نویسد: «نظریه امت» در طی قرون متعدد در قلوب مسلمین تأثیری بزرگ دارا بوده است. امت از ریشه خاص عربی است که در زبان های اروپایی نمیتوان مترادفی برای آن یافت امت عبارت است از همان جامعه به معنای قوم و ملت در آن واحد، شامل آن کسانی که مایلند با یکدیگر زیست کنند دعوت اسلام منکر همه ی امتیازات نژادی یا هر گونه برتری دیگر است. (زارعی، ۱۳۹۰)

بخش اول: مفهوم امت اسلامی

امت در لغت، به جامعه انسانی اطلاق می شود که قصد و نظر مشترک داشته باشد. (هاشمی، ۱۳۹۲)

کلمه «امت» از ریشه «ام» به معنی آهنگ، قصد و عزیمت کردن است و این معنی ترکیبی است از سه معنی «حرکت»، «هدف» و «تصمیم خودآگاهانه» و چون در ریشه «ام» مفهوم «جلوه پیش روی» نیز نهفته است، بنابراین چهار عنصر این معنی حرکت را می سازد: ۱- انتخاب، ۲- حرکت، ۳- پیش رو، ۴- قصد. با حفظ این معانی، کلمه «امت» در اصل به معنی «الطریق الواضح» یعنی راه روشن است. (شریعتی، ۱۳۴۸. ۴۴)

و در اصطلاح به مجموعه کسانی اطلاق می شود که در همه جای دنیا هر شبانه روز پنج بار، یکسان و یک دل به کعبه واحدی روی می آورند، این مجموعه پراکنده در جغرافیای عالم، جامعه جهانی اسلامی را پدید می آورند. (هاشمی، ۱۳۹۲) در واقع امت اسلامی، جمعیت بزرگی است که بین آنها، با مرزهای سیاسی و جغرافیایی فاصله ای نمی افتد و اشتراکاتی با یکدیگر دارند. مرز بین امت، مرز جغرافیایی و طبیعی نیست، (شریعت پناهی، ۱۳۹۳) بدین معنا که همبستگی بین امت در اصل چیزی بالاتر از همبستگی به تعبیر امیل دورکیم، این همبستگی در حقیقت به وسیله رشته های ایمانی است که مسلمانان را از رهگذر دین اسلام به خدای تعالی ربط می دهد، در نتیجه مفهوم «عبدالهی» نیز با مفهوم «شهروندی» تفاوت جوهری دارد. (شریعت پناهی، ۱۳۹۳)

علامه طباطبایی با عنایت به معانی مختلف «امت» تلاش دارد تا معانی مختلف را در یک تعریف کوتاه، جمع نماید. ایشان معتقدند که «امت» به گروهی اطلاق می گردد که هدف واحد، آنان را گرد هم آورده است. (طباطبایی، ج ۱۴، ص ۳۲۲)

۱. جایگاه واژه امت

نکته جالبی که دکتر علی شریعتی در کتاب امامت و امت خود مطرح می‌کنند این است که ایشان اشاره دارند آنچه «مونتگمری وات» به آن توجه داده است این است که مردم در طول تاریخ و نیز در عرض جغرافیا دسته دسته زندگی می‌کنند. این مجموعه افراد و آحاد انسانی که مجمعی ساخته‌اند و در آن می‌زیند، جمع خویشتن را چه نامیده‌اند؟ نوع اسمی که برای اجتماع خود تعیین کرده‌اند مبین جنبش و تلقی آنها از زندگی اجتماعی و معنای واقعی تجمع آنهاست و این اسمی خیلی زیاد است. کلماتی که هم اکنون در زبان‌های اروپایی و عربی و فارسی برای تسمیه یک جامعه و گروه انسانی به کار می‌رود مانند: ناسیون، قبیله، قوم، شُعب، طبقه، اجتماع یا جامعه، طائفه، نژاد، توده. اما اسلام به جای این اصطلاحات، برای نامیدن گروه انسانی که خود تشکیل می‌دهد، کلمه «امت» را انتخاب کرده است. در اینجا نیز بینش خاص اسلام پیدا است و آن تکیه شگفتی است که به اصل حرکت دارد، اما حرکتی که دارای یک جهت مشخص و ثابت است. تغییر همیشگی و ثبوت همیشگی را بدین گونه اسلام با هم جمع کرده و جهان‌بینی اسلام بر آن استوار شده است و همین اصل را در طواف کعبه بیان می‌کند. این است که در فرهنگ اسلامی تمام اصطلاحاتی که برای نامیدن دین (در تلقی‌های مختلف) به کار می‌رود به معنی راه است و این نوع نگرش را در غالب اصطلاحات اساسی مذهبی می‌یابیم. مذهب (راه)، سلک (راه)، شریعت (راه آب)، طریق و طریقت (راه)، سبیل الله (راه خدا)، صراط (راه معبد)... حج (آهنگ چیزی کردن)، رجعت (انسان در وجود) و هجرت (مبدأ اسلام به جای ولادت پیغمبر، فتح مکه و حتی بعثت پیغمبر) طبیعی است که جامعه خویش را نیز با همین بینش ببیند و کلمه ای را که برای نامیدن آن اصطلاح می‌کند، مفهوم دیالکتیک داشته باشد و دارد، و آن کلمه «امت» است. دکتر شریعتی اشاره می‌کند که همین کلمه «امت» بود که برای من روزنه‌ای به سوی افق تازه و وسیعی گشوده و صدها معنی تازه در برابرم جوشید و حتی بسیاری از مسائلی که در فرهنگ اسلامی ما وجود دارد ولی به گونه‌ای که امروز مطرح می‌کنند و معنی برایم نامفهوم می‌شود و حتی نامعقول، از این زاویه جدید که بدان نگرستم دیدم که نه تنها منطقی و قابل قبول است، بلکه به طرز شورانگیز و بسیار زنده و امروزی، مترقی، سازنده، هوشیارانه و حتی در یک حقیقی انقلابی-اجتماعی است و این وسعت افق‌های تازه وقتی در پیش نظرمان ناگهان پدیدار شد که متوجه شدم کلمه امامت نیز با امت هم ریشه است و به عقیده من، صفت امت نیز هم. (شریعتی، ۱۳۴۸، ۴۳)

در واقع رهبری کردن، رهبری شدن، راه رفتن در این کلمه نهفته است. برتری و امتیاز این کلمه بر کلماتی مثل ناسیون، قوم، قبیله و شعب روشن است. زیرا این‌ها هیچکدام معنای مترقی انسانی ندارد، جز قبیله که بهترین اصطلاحی است که بیشتر برای اجتماع خویش انتخاب کرده است، یعنی اشتراک افراد انسانی در قبیله و هدف؛ و این امتیاز را امت هم دارد زیرا وقتی می‌گوییم راه و رفتن و رهبری و اشتراک افراد انسانی را در یک رهبری مشترک، یعنی حرکت به سوی هدف و قبیله ای که همه بدان سوی روان‌اند و رهبری می‌شوند. و بر قبیله این امتیاز را هم دارد که مثل قبیله اشتراک را ملاک پیوند انسان‌ها و خویشاوندی معنوی و واقعی و علت جمع شدنشان در یک جا، قرار داده؛ ولی در قبیله اشتراک هدف نیست. همچنین در امت حرکت به سوی قبیله مشترک اساس فکر است.

همه این اصطلاحات که یک گروه اجتماعی از انسان را بیان می‌کنند، فرم و شکل خصوصیت و ظرف مکان را نشان می‌دهند. یعنی همه استاتیک اند و تنها امت دینامیک است. (شریعتی، ۱۳۴۸، ۴۶).

در این اصطلاح (تنها براساس آنچه از تحلیل امت بر می‌آید) این مفاهیم وجود دارد: ۱- اشتراک در هدف و قبیله. ۲- رفتن به سوی قبله و هدف. ۳- لزوم رهبری و هدایت مشترک. پس امت براساس تعریفی که از جمع معانی در این کلمه هست بر می‌آید عبارت است از: جامعه انسانی که همه افرادی که در یک هدف مشترک اند، گرد هم آمدند تا براساس یک رهبری مشترک، به سوی ایده آل خویش حرکت کنند. پس خویشاوندی افراد انسانی (به جای خاک و خون و همکاری و هم سرنوشتی و هم هدفی و هم قیامی و همکاری برای یک کار و یا

هم گروهی در برابر گروه‌های دیگر، چنان که در معنی شعب هست) عبارت است از اعتقاد و اشتراک در یک رهبری واحد در جامعه‌ای که افرادش متحد و متعهدند که در این راه به طرف قبله مشترک حرکت می‌کنند و آن جامعه دارای یک رهبر آگاه مورد اتفاق همه است. (شریعتی، ۱۳۴۸: ۴۸).

۲. تاریخچه امت اسلامی

نخستین فرآورده سیاسی-انسانی اسلام، امت اسلامی است که از مدینه النبی آغاز شد و به صورت حیرت آور و افسانه وار، قدم در راه رشد کمی و کیفی نهاد. هنوز نیم قرن از ولادت این پدیده مبارک نگذشته بود که نزدیک به نیمی از تمامی قلمرو و سه تمدن باستانی همسایه‌ی خود یعنی ایران، رم و مصر را درنوردید و یک قرن پس از آن، تمدنی درخشان و حکومتی عزیز و مقتدر در مرکز جهان پدید آورد که از شرق به دیوار چین و از سوی دیگر به سواحل اقیانوس اطلس و از شمال تا استپ‌های سیبری و از جنوب تا اقیانوس هند می‌رسید. قرنهای سوم و چهارم هجری و پس از آن، مزین به تمدنی آن چنان مشعشع است که پس از هزار سال، هنوز برکات علمی و فرهنگی آن را در مدنیت کنونی جهان، می‌توان به وضوح دید. اگر چه مورخان غربی به هنگام حکایت تاریخ علم و تمدن، این رستاخیز عظیم و بی‌سابقه‌ی علم و فرهنگ و تمدن را یکسره در بوته‌ی اجمال و اهمال می‌نهند و سرگذشت علم را از یونان و رم باستان، یکسره به رنسانس متصل می‌کنند! گویی علم و تمدن، هزار سال مرده بود و یکباره در رنسانس تولد یافت! لیکن حقیقت آن است که قرون وسطی، فقط برای غرب و اروپا دوران تاریکی و جهالت و وحشت بود، ولی برای دنیای اسلام با گستره‌ای چندین برابر اروپا - یعنی از اندلس تا چین - دوران تشعشع و بیداری و عروج علمی شمرده می‌شد. (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۹/۱۸) در واقع پیامبر(ص) در مکه به تعلیم و تربیت انسانهای موحد و مؤمن، تشکیل هسته‌های اولیه جنبش و انقلاب و تأسیس جامعه نوپای اسلامی یعنی «امت» پرداخت. او و پیروانش در آن وضعیت سخت و دشوار با تحمل انواع زجرها و فشارها، روابط و ساختارهای منحط حاکم را شکستند. (موتقی، ۱۳۹۶)

از طرفی در دوران معاصر، افراد و جریان‌های مختلفی برای حل مشکل ضعف دنیای اسلام و مقابله با تفرقه و نیز ایجاد اتحاد برای تشکیل مجدد «امت اسلامی» تلاش نمودند. یکی از چهره‌های شاخص آن «سید جمال الدین اسدآبادی» بود که به همراه شاگردش شیخ محمد عبده وحدت اسلامی را از مهم ترن اهداف آرمانی خود میدانست و در آن راه تلاش و کوشش فراوانی به عمل آورد، در این راستا وی وطن خاصی برای خوش معرفی نکرد تا وحدت جهان اسلام حفظ شود و در طول عمر مبارزاتی خود به شهرهای متعدد سفر نمود. (رجبی، ۱۳۹۹)

در حقیقت جریان احیا و بازسازی تفکر دینی از بنیادگرایی تا رادیکالیسم اسلامی، بخصوص از نیمه دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم تا دوره جنگ جهانی اول، اندیشه غالب بر جریانهای فکری - سیاسی مسلمانان بود و تأثیرات زیادی بر حیات فرهنگی و سیاسی - اجتماعی جهان اسلام به جا گذاشت. اکنون نیز بویژه پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران و رشد و گسترش جنبشهای اسلامی، پس از یک دوره فترت (در فاصله جنگ جهانی اول تا سال ۱۹۸۰ م.)، این تفکر بشدت مورد توجه جهان اسلام قرار گرفته است. این جریان از ابتدای ظهور دعوت و جنبش وهابیت در عربستان داخلی در قرن ۱۸ م. / ۱۲ ه. به عنوان جریان اصلاح طلبی دینی معروف شد و با ظهور سید جمال الدین اسدآبادی در نیمه دوم قرن ۱۹ م. / ۱۳ ه. عمق و غنای خاصی یافت و اندیشه و عمل مسلمانان را تحت تأثیر قرار داد که این دو مصداق

برجسته (جنبش وهابیت و نهضت سید جمال) به عنوان دو سرمنشأ که دو دسته را در داخل جریان اصلاح دینی به وجود آورده اند قابل تشخیص و تفکیک اند و می توان آن دو دسته را به نام بنیادگرایی و رادیکالیسم در دوره معاصر جهان اسلام خواند. بدین ترتیب اصلاح طلبی دینی دو جریان بنیادگرایی اسلامی (مانند جنبش وهابیت) و رادیکالیسم اسلامی (مانند نهضت سید جمال) را دربر می گیرد. یکی از شعارها، اصول و ویژگی مهم جریان اصلاح طلبی دینی، «وحدت و همبستگی مسلمانان در برابر خطر سلطه فرهنگی و سیاسی غرب» بود که بیشتر جنبشهای اصلاحی نیمه دوم قرن ۱۹ م. / ۱۳ ه. و اوایل قرن بیستم دارای این جهت گیری ضد استعماری بوده اند و جنبش وهابیت در این مورد یک استثناست. به باور اصلاح طلبان تنها راه مبارزه با استعمار غرب و مقاومت در برابر آن و دفاع از هویت جامعه اسلامی، وحدت اسلامی در چهارچوب ایدئولوژی اسلامی است. بارزترین شخصیت این جهت گیری اساسی و ضد استعماری سید جمال الدین اسد آبادی بود. او به «ایجاد وحدت سیاسی از راه بازسازی دینی» می اندیشید. از طرفی اصطلاح «پان اسلامیسم» را نخستین بار مخالفان فکر یگانگی مسلمانان بویژه اروپاییان و غربیان جعل کردند تا بدین وسیله آن را یک جریان خشن، افراطی، تعصب آلود و شوونیستی و نفی کننده ادیان و ملل دیگر معرفی کنند؛ از این رو پیشروان و منادیان آن از به کار بردن این تعبیر پرهیز داشتند. (موثقی، ۱۳۹۶)

امت از منظر شیعه

اعتقاد شیعه این است که بعد از پیامبر اعظم (ص)، خلافت و حکومت، حق علی بن ابی طالب بوده ولی غصب شده است.

با این حال خود ایشان در نامه ۶۲ نهج البلاغه فرموده اند: «به خدا قسم! حتی به فکرم خطور نمی کرد که پس از پیامبر (ص)، خلافت را به سمت دیگری ببرند، اما دیدم اسلام و امت اسلام در خطر سقوط و نابودی است. مصیبت انهدام امت اسلامی را برای من خیلی سنگین تر از رها کردن حکومت بر شما است.» یعنی ایشان اهم و مهم کردند و دیدند حاکمیت علی مهم است؛ خیلی هم مهم است اما نه مهم تر از بقای اسلام و امت اسلام. علی (ع) معتقدند که اگر اختلافات را در عرصه عملی ادامه می دادند، جنک داخلی می شد، مسلمین به جان هم می افتادند و اسلام از بین می رفت. (ازغدی، ۱۳۹۷، ۶۸)

اهمیت حفظ امت اسلامی تا آنجاست که وقتی خلیفه دوم برای جنگیدن با شاهان و امپراطوران کفر و استکبار با سپاه مسلمین حرکت می کند، با علی ابن ابی طالب (ع) مشورت می کند. همان حضرت امیر (ع) که معتقدند حکومت آنهاست و تا آخر هم معتقدند و معترض است، وقتی که مصالح کلی امت اسلامی در میان است، به خلیفه دوم می گوید شما خودت با سپاه همراه نشو، چون اگر در این جنگ کشته شوی می گویند رهبر جهان اسلام کشته شو د بعد به سرزمین های اسلامی حمله می کنند و همچنین مخالفان تو پیمان شکنی می کنند و از داخل حکومت به مسلمین ضربه می زنند. امیرالمومنین می فرماید: «هیچکس دلسوزتر از من بر وحدت و بقای این امت نیست.» (نهج البلاغه، نامه ۷۸)

امت از منظر اهل سنت

در دیدگاه اهل سنت تا پیش از قتل خلیفه عثمان، امت بر مسیر سنت حرکت می کرد و وحدت آن مانع هر گونه تفرقه بود. فتنه از هنگام قتل عثمان آغاز شد و همین امر سبب افتراق گردید و فرقه هایی چون خوارج، رافضه، قدریه و مرجعه پیدا شدند؛ اما نکته مهم در این تصویر پردازی از تاریخ این است که امت همواره در کنار حضور و استمرار جماعت شاهد شرور، فتنه ها و بدعت ها است، ولی این وصف همواره جماعت حضور خود را استمرار بخشید. (احمد خطیب بغدادی، ص ۸-۹، ۱۹۷۱ م)

در عصر فتنه‌ها و بدعت‌ها، باید همواره جانب «جماعت مسلمین» و محوریت آن، یعنی «امام مسلمین» را گرفت و آگه جماعت به دلیل عدم وجود امام تحقق خارجی نداشت، می‌باید از همه فرق دوری کرد و از همراهی با هر امامی اجتناب نمود و صرفاً ایمان خود را حفظ کرد. این نکته در احادیث منسوب به پیامبر تأکید شده است. (احمد بن حنبل، ۱۳۸۹: ۳۸۶) (محمد بخاری، ص ۳۷۲، ۱۸۶۲-۱۹۰۸م)

اهل سنت معتقد است که رسالت نبوی، رسالتی جهانی بود، امت پیامبر (ص) می‌بایست امر «دعوت» را سامان می‌داد و جهانی می‌کرد. امت از طریق امر دعوت خواهد توانست که این رسالت جهانی را به جهانیان تبلیغ کند و بنابر وعده، قرآنی زمین را در اختیار گیرد و وارث همه امت‌های پیشین شود. (طبری، ۱۹۳۳م)

بخش دوم: نظریه امت اسلامی در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی)

دغدغه آیت الله خامنه‌ای در زمینه‌ی «اتحاد و یکپارچگی دنیای اسلام»، دغدغه‌ای با سابقه و دیرپا است و در حقیقت یکی از دغدغه‌های اصلی و همیشگی معظم له بوده است. ایشان در آخرین روز شهریور ماه ۱۴۰۳ در دیدار مسئولان نظام، سفرای کشورهای اسلامی و مهمانان کنفرانس وحدت، تشکیل «امت اسلامی» را یکی از مهمترین درس‌های نبوی معرفی کردند، نکته‌ی اساسی و قابل تاملی که ایشان بدان اشاره کردند، فقدان «امت اسلامی» است: «ما امروز فاقد امت اسلامی هستیم. کشورهای اسلامی زیادند، نزدیک دو میلیارد مسلمان در دنیا زندگی می‌کنند اما عنوان «امت» را نمی‌توان بر این مجموعه گذاشت؛ چون هماهنگ نیستند، ما اینطور نیستیم، ما متفرقیم.» (۱۴۰۳/۶/۳۱)

۱. اصول و مبانی نظریه امت اسلامی در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای

آیت الله خامنه‌ای بر اهمیت و ضرورت وحدت و همبستگی میان مسلمانان تأکید دارند و معتقدند که امت اسلامی باید براساس اصول و ارزش‌های اسلامی حرکت کند. ایشان همچنین بر اهمیت عدالت اجتماعی، استقلال و خودکفایی اقتصادی، مقاومت در برابر ظلم و استکبار تأکید دارند. نظریه امت اسلامی شامل اصولی همچون اتحاد مسلمانان، همکاری اقتصادی و مبارزه با ظلم و ستم است. ایشان معتقدند که امت اسلامی باید به یکپارچگی و همکاری میان خود تأکید کند و از تفرقه و اختلاف دوری کند. در واقع ایشان می‌فرمایند: «امروز، وحدت برای شما، هم تاکتیک و هم استراتژی و هم یک اصل اسلامی است و همیشه برای شما لازم است.» (۱۳۶۸/۷/۱۱)

در واقع گاهی اینگونه برداشت می‌شود که بحث وحدت امت اسلامی، فقط به عنوان یک تاکتیک مطرح می‌شود؛ یعنی شیوه‌ای است برای بازی دادن دیگران یا به عبارت دیگر، نگاه به مسئله وحدت، یک نگاه ابزاری است و اینگونه وانمود می‌شود که اعتقاد به وحدت وجود دارد، اما در واقع این طور نیست و حفظ منافع کوتاه مدت شیعه در نظر است ولی اصل مسئله اینطور نیست. وحدت گرچه تاکتیک خوبی است اما نباید فقط به عنوان یک مفهوم تاکتیکی به این مسئله نگاه شود؛ چون ممکن است انسان از هر روشی به عنوان تاکتیک استفاده کند، در حالی که آن روش را وظیفه خودش نداند یا اینکه اصلاً آن روش را جایز نداند؛ ولو به طور قطعی و در شرایط خاص، مسئله فراتر از تاکتیک است. درست است که وحدت یک تاکتیک موفق است اما قبل از آن و فراتر از آن، یک اصل شرعی و اسلامی است؛ البته وقتی از وحدت

اسلامی سخن به میان می‌آید، منظور آن نیست که اهل هیچ مذهبی، مذهب خودش را کنار بگذارد و زیر پرچم مذهب خاصی بیاید. (ازغدی، ۱۳۹۷، ۸۲)

آیت الله خامنه‌ای در این باره می‌فرماید: «ما که می‌گوییم شیعه و سنی در کنار هم قرار بگیرند، یعنی شیعه، شیعه بماند؛ سنی هم سنی بماند. ما چه موقع به عالم تسنن گفته‌ایم که منظورمان از وحدت این است که شما شیعه بشوید؟! ما چنین چیزی نگفته‌ایم. هر کس خواست شیعه بشود، از طریق علمی و از راه مباحثات عالمانه شیعه بشود. آنها هم آزادند که بروند کار خودشان را بکنند. ما نمی‌گوییم شما مذهب را عوض کن؛ ما می‌گوییم شیعه و سنی باید همیشه سر عقل باشند. (۱۳۶۹/۷/۱۱)

۲. بیانات آیت الله خامنه‌ای در مورد ضرورت تشکیل امت اسلامی

وحدت مذاهب اسلامی برای ساختن تمدن جدید اسلامی و امت اسلامی در این عصر، ضرورت فوق‌العاده‌ای دارد. جهان اسلام در یکی دو قرن اخیر، پایمال قدرت‌های کفر و استکبار جهانی شد. جهان اسلام در این صد سال، بین قدرت‌های استکباری شرق و غرب تقسیم شد و به ذلت افتاد. حکومت‌های قلابی با دیدگاه‌های لائیک و غیر دینی و بعضاً ضد دینی صریح، دست به غارت کشورهای اسلامی و تضعیف فرهنگ، علم و اقتصاد در کشورهای اسلامی و وابسته کردن آنها به استکبار زدند. همه اینها با هدف عقب مانده نگه داشتن مسلمین بوده است که یکی از راه‌هایش، تحریف اسلام، ارائه اسلام آمریکایی و تشیع انگلیسی و به جان هم انداختن مسلمین با بهانه‌های مذهبی یا قومیتی و زبان و نژاد بوده و این توطئه‌ها همچنان ادامه دارد. به همین جهت آیت الله خامنه‌ای در خصوص ضرورت تشکیل امت اسلامی می‌فرماید: «امروز مهمترین نیاز دنیای اسلام اتحاد و انسجام اسلامی است.»

تشکیل «امت اسلامی» یک آرمان و ایده‌ی بزرگ و متعالی است که راه بسیاری تا تحقق آن باید پیموده شود، اما طولانی‌ترین راه‌ها را نیز باید با برخاستن و گام برداشتن پیمود. ممکن است برای اعضای جامعه‌ی مؤمن و انقلابی داخل کشور این سؤال پیش بیاید که «من، به عنوان یک فرد، چه نقش و وظیفه‌ای در این مسیر طولانی و پیچیده دارم و اساساً می‌توانم داشته باشم؟» پاسخ به این سؤال، بسته به توانایی‌ها، شرایط و موقعیت سؤال‌کننده، می‌تواند وجوه مختلفی داشته باشد؛ «فرض بفرمایید اگر ده سال همه‌ی مطبوعات دنیای اسلام بر روی اتحاد مسلمین تکیه کنند، مقاله بنویسند، شاعر شعر بگوید، تحلیلگر تحلیل کند، استاد دانشگاه تبیین کند، عالم دینی حکم کند، بلاشک در طول این ده سال وضعیت بکلی عوض خواهد شد.» (۱۴۰۳/۶/۳۱)

بنابراین یکی از گام‌هایی که می‌باید در راستای ترسیم چشم‌انداز جهان اسلام برداشته شود، ایجاد هم‌صدایی و وحدت در میان امت اسلامی است. به نظر می‌رسد بدون دستیابی به وحدت کلمه، براساس آموزه‌های دین اسلام، ترسیم هر چشم‌اندازی برای امت اسلامی امری دشوار و غیر قابل حصول باشد. (صفوی، ۱۳۸۷، ۲۳)

آیت الله خامنه‌ای در راستای ایجاد امت اسلامی، معتقدند اتحاد مسلمانان یک فریضه‌ی قطعی قرآنی است و طبق آن چند نکته را عنوان میکنند، اولین نکته اینک آن را به عنوان یک وظیفه باید نگاه کنیم. قرآن دستور داده: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران، ۱۰۳) یعنی حتی در اعتصام به حبل الله هم با اجتماع باید این کار را انجام بدهید. «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» این «امر» است؛ چرا ما این را به یک امر اخلاقی تبدیل میکنیم؟ این یک دستور است، یک حکم است که باید بر طبق این عمل کرد.

نکته‌ی دوم؛ وحدت و اتحاد مسلمانها یک امر تاکتیکی نیست که حالا بعضی خیال کنند به خاطر شرایط خاصی ما بایستی با همدیگر متحد باشیم؛ نه، یک امر اصولی است؛ هم‌افزایی مسلمانها لازم است؛ اگر مسلمانها متحد باشند، هم‌افزایی میکنند و همه قوی میشوند؛ وقتی که این هم‌افزایی وجود داشته باشد، حتی آنهایی که مایلند که تعامل با غیر مسلمانها داشته باشند، با دست‌پُر وارد این تعامل میشوند.

نکته‌ی سوم این است که علت اینکه ما در جمهوری اسلامی بر وحدت مسلمین، زیاد تأکید میکنیم، این است که فاصله زیاد است. امروز مرتباً تلاش میشود که بین فرق مسلمین، بین شیعه و سنی اختلاف ایجاد بشود؛ تلاش جدی و برنامه‌ریزی شده. امروز کلمه‌ی «شیعه» و «سنی» وارد ادبیات سیاسی آمریکا شده! آمریکایی‌ها به شیعه و سنی چه کار دارند؟ چند سال است که در ادبیات سیاسی آمریکا مسئله‌ی سنی بودن و شیعه بودن وارد شده، با اینکه آنها با اصل اسلام مخالفند و دشمنند اما مسئله‌ی شیعه و سنی را رها نمیکنند. اختلافات را روزبه‌روز دارند زیاد میکنند، سوءتفاهم‌ها را زیاد میکنند. بنابراین ما تأکید میکنیم و علت تأکید ما این است. و ملاحظه هم میکنید که دست‌آموزهای آمریکا در هر جای دنیای اسلام که بتوانند، فتنه ایجاد میکنند. داعش؛ داعش کیست؟ داعش همان مجموعه‌ای است که گروه دموکرات آمریکا صریحاً گفتند که این را ما به وجود آورده‌ایم؛ البته حالا نمیگویند، حالا انکار میکنند، اما این از آنها سر زده، این را صریحاً بیان کرده‌اند.

نکته‌ی چهارم این است که تصور نکنیم با اینکه ما هر سال در هفته‌ی وحدت دور هم می‌نشینیم، سخنرانی میکنیم، وظیفه‌ی ما انجام گرفته؛ وظیفه با این چیزها تمام نمیشود؛ لازم است که هر کسی، در هر نقطه‌ای، در هر جایی که حضور دارد، محور بحث مهم اتحاد باشد؛ و بحث کنیم، تبیین کنیم، تحریض کنیم، برنامه‌ریزی کنیم، تقسیم کار کنیم در این زمینه‌ها؛ این کار واجب و لازمی است که باید انجام بگیرد.

نکته‌ی بعدی این است که یکی از هدفهای نظام جمهوری اسلامی که ما تعریف کردیم، عبارت است از ایجاد تمدن نوین اسلامی؛ یعنی یکی از اهداف نظام جمهوری اسلامی و اهداف انقلاب اسلامی، ایجاد تمدن نوین اسلامی است: تمدن اسلامی با نگاه به ظرفیتهای امروز و حقایق و واقعیات امروز. این کار جز با اتحاد شیعه و سنی امکان‌پذیر نیست؛ این را تنها یک کشور و یک فرقه نمیتواند انجام بدهد؛ برای این بایستی همه با هم همکاری کنند.

نکته‌ی ششم اینکه شاخص عمده برای اتحاد مسلمین، مسئله‌ی فلسطین است؛ مسئله‌ی فلسطین، شاخص است. اگر چنانچه اتحاد مسلمین تحقق پیدا نکند، قضیه‌ی فلسطین قطعاً به بهترین وجه حل خواهد شد. هر چه ما در قضیه‌ی فلسطین جدیت بیشتری برای احیای حقوق ملت فلسطین به خرج بدهیم، به اتحاد مسلمین نزدیک‌تر میشویم. این مسئله‌ی عادی‌سازی‌های اخیر که متأسفانه بعضی از دولتها خطا کردند، خطای بزرگی کردند و عادی‌سازی روابط کردند با رژیم غاصب و ظالم صهیونیستی، حرکتی ضد وحدت اسلامی و ضد اتحاد اسلامی است؛ از این راه باید برگردند و این خطای بزرگ را بایستی جبران بکنند. (۱۴۰۰/۸/۲)

در حقیقت از منظر ایشان «اتحاد مسلمانان درمان بسیاری از دردهای امت اسلامی است.» (۱۳۹۹/۸/۱۳)

در واقع اتصال سرنوشت کشورهای اسلامی به یکدیگر، مزیت‌های نسبی، فرصت‌ها و افق‌های روشنی را به منظور رشد، توسعه و اقتدار هر یک از کشورهای اسلامی به همراه دارد. همچنین توسعه معنوی و مادی جوامع اسلامی از اولویتهای اصلی سیاست گذاران تعالی خواه مسلمان به شمار می‌رود. دستیابی به توسعه‌ای که زمینه ساز سعادت دنیوی و اخروی امت مسلمان گردد، نرم‌افزار و سخت‌افزار خاص خود را می‌طلبد. برای مثال، در حوزه سخت‌افزار، طراحی و ایجاد زیرساخت‌های صنعتی، زمینه اشتغال، کارآفرینی، تولید و رفاه در چهارچوب همکاری‌های مشترک میان کشورهای اسلامی می‌گردد و در حوزه نرم‌افزاری تدبیر استفاده بهینه از تعادل ظرفیتهای جغرافیایی، فرهنگی و

سیاسی در پهنه‌ی شناختی و ادراکی، چه در سطح داخل و چه در سطح بین‌الملل، از جمله مصادیق این ابزار محسوب می‌شود. در این میان، درک صحیح از متغیرهای اصلی در تعامل سازنده میان کشورهای اسلامی و توجه به ویژگی‌های فرهنگ راهبردی هر یک از این ملت‌ها در تنظیم رابطه‌ای پایدار در این حوزه‌ی نرم‌افزاری از اهمیت فراوانی برخوردار است. با توجه به پارادایم بومی و ایرانی-اسلامی «جنبش نرم‌افزاری»، که در سال‌های اخیر از سوی مقام معظم رهبری مطرح شده است، می‌توان بر این مهم اذعان نمود که در فرآیند توسعه‌ی کشور علاوه بر نقش و اهمیت عوامل داخلی، همسویی، وحدت و همگرایی ایران اسلامی با دیگر کشورهایی که دارای سپهر ارزشی مشترکی با ما هستند نقش و اهمیت بسزایی دارد که خوشبختانه، ظرفیت‌های نهفته در فضای ارزشی و معنایی دین مبین اسلام زمینه‌ی اتصال سرنوشت هر یک از کشورهای اسلامی را به دیگر کشورهای مسلمان مهیا می‌سازد تا زمینه‌ی بهره‌جویی از ظرفیت‌های موجود در جهان اسلام به منظور حفظ و ارتقای منافع مسلمین امکان‌پذیر شود. به نظر می‌رسد موارد فوق در زمره‌ی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های اصلی جهان اسلام قرار داشته باشد:

۱- موفقیت ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک کشورهای اسلامی از نظر:

۱-۱ ژئوپلیتیک حساس و تاثیرگذار بر نظام جهانی. (صفوی، ۱۴۰۳، ۱۳۸۷)

آیت الله خامنه‌ای به همین دلیل با هرگونه تغییر در ژئوپلیتیک منطقه مخالف است. (۱۴۰۱/۵/۵)

۱-۲- برخورداری از قلمرو جغرافیایی وسیع و جمعیتی بالا

۱-۳- دسترسی و سیطره بر تنگه‌ها و آبراه‌های راهبردی جهان

مقام معظم رهبری در این راستا می‌فرماید: «دریاها و خصوصاً دریا‌های آزاد و اقیانوس‌ها از مواهب الهی و ذخایر و منابع سرشاری برای زمینه‌سازی رشد علم و فناوری، افزایش کار و ثروت، تأمین نیازهای حیاتی و تولید اقتدار و بستر مناسبی برای تمدن‌سازی می‌باشند» (۱۴۰۲/۸/۱۶)

۱-۴- ذخایر عظیم انرژی

۱-۵- بازار مصرف گسترده و پر جاذبه

۱-۶- داشتن ایدئولوژی برون‌گرا با قابلیت طرح جهانی

۱-۶- سهم قابل توجه در شبکه‌ی ارتباطات جهانی

۲- بهره‌مندی از کانون‌های معتبر ایجاد قدرت

۳- امکان ارتقای نظام دفاعی در قالب ائتلاف و پیمان‌های دفاعی و تبدیل نمودن آن به یک قدرت موثر

۴- وجود فرصت‌ها و تهدیدهای مشترک. (صفوی، ۱۴۰۳، ۱۳۸۷)

همان‌طور که آیت الله خامنه‌ای نیز می‌فرماید: درست است که امروز دنیای اسلام با تهدیدهای تازه‌ای مواجه است، اما در مقابل، فرصت‌هایی هم در اختیار امت اسلامی قرار دارد که در گذشته وجود نداشت. وقتی صحبت از فرصت‌ها می‌شود، ذهن ابتدا به سمت فرصت‌های

مادی می‌رود، مثل موقعیت جغرافیایی، سابقه‌ی تاریخی، وجود ذخایر زیر زمینی و تراکم جمعیت در دنیای اسلام، البته شکی در اینها نیست؛ لیکن توجه کنیم که دنیای اسلام همه‌ی اینها را داشت، در عین حال استعمار توانست دنیای اسلام را قبضه کند و صد و پنجاه سال، دویست سال دنیای اسلام را عقب نگه دارد و ملت‌های مسلمان را به ملت‌هایی وابسته و عقب افتاده تبدیل کند؛ بنابراین اینها کافی نیست. به نظر من بزرگ‌ترین فرصت دنیای اسلام، خود اسلام است. «ولاتم نعمتی علیکم» (بقره، ۱۵۰)؛ خدای متعال اسلام را نعمت خود دانسته است و این بزرگ‌ترین نعمت خدای متعال است. اسلام هم می‌تواند با ایمان و معرفت، باطن انسان را مسلح کند؛ و هم می‌تواند با دانش و ایجاد وحدت، از لحاظ مادی مسلمانان را مسلح و مجهز کند؛ این قدرت اسلام است و نباید آن را دست کم گرفت. امروز دنیای اسلام نسبت به پنجاه سال پیش، هم زنده‌تر، هم با نشاط‌تر، هم امیدوارتر، هم جوان‌تر و هم جوان نگر تر است. امیدهای زیادی پیش روی ماست. امروز جوانان و روشنفکران ما در سراسر دنیای اسلام به تمسک به اسلام و معرفت اسلام و به اسلام افتخار می‌کنند، این فرصت بسیار عظیمی است. (۱۳۸۲/۱۰/۲)

۳. آسیب شناسی وموانع پیش روی «امت اسلامی»

نگاه رهبر انقلاب به ساخت «امت اسلامی» واقع‌گرایانه و دور از سطحی‌نگری و شعارزدگی است. ساخت «امت اسلامی»، به معنای واقعی کلمه، کاری سهل و سریع نیست و در این راه، موانع و چالش‌های ریز و درشت متعددی وجود دارد.

۱- دشمنان دنیای اسلام

دشمنان دنیای اسلام که امروزه بیشترین منفعت را از عدم اتحاد دنیای اسلام می‌برند، اصلی‌ترین مانع احقاق این هدف متعالی هستند. تشکیل «امت اسلامی» دست آنان را از بسیاری تعدّی‌ها و زیاده‌خواهی‌ها و دخالت‌ها در پهنه‌ی وسیع عالم اسلامی کوتاه می‌کند و از این منظر، عجیب نیست که نگران این موضوع باشند و از تمامی ابزار و امکانات در دسترس خود برای ممانعت از اتحاد و انسجام دنیای بزرگ اسلام استفاده کنند و این، نکته‌ای بود که در بیانات اخیر رهبر انقلاب بد آن تاکید شد: «البته این حرفی که بنده عرض می‌کنم — ایجاد این وحدت و تشکیل امت اسلامی — دشمنانی دارد؛ دشمنان اسلام؛ روی «دشمنان اسلام» فکر کنید، تکیه کنید؛ دشمن فلان کشور، مهم نیست؛ کسانی هستند دشمن اسلامند، ولو به یک بخشی از مسلمین بظاهر خودشان را نزدیک می‌کنند برای اینکه یک بخش دیگر را نابود کنند اما در واقع دشمن اسلامند؛ اینها نمی‌خواهند این امت اسلامی تشکیل بشود؛ اینها نمی‌خواهند این اتحاد به وجود بیاید؛ اینها گسلهای مذهبی درون دنیای اسلام را فعال می‌کنند.

یکی از مشکل‌تراش‌ترین گسلهای موجود بین جوامع، گسل اعتقادی و دینی است، مثل گسلهای زلزله. اگر چنانچه این گسل فعال بشود، خیلی آسان نمی‌شود این گسل را خاموش کرد. جنگهای صلیبی دویست سال طول کشید و واقعاً صلیبی بود؛ واقعاً جنگ دینی بود و روی تعصبات دینی این کار انجام گرفت. نمی‌گذارند، نمی‌خواهند بگذارند. باید بر خواست دشمن فائق آمد. اینکه امام بزرگوار ما از قبل از پیروزی انقلاب بر روی وحدت دنیای اسلام و وحدت شیعه و سنی این‌همه تکیه کرده‌اند، به خاطر همین است؛ چون قدرت دنیای اسلام ناشی از اتحاد است و دشمن عکس این را می‌خواهد و بعکس این عمل می‌کند و تلاش می‌کند. (۱۴۰۳/۶/۳۱)

نقشه بعدی و سیاست بعدی دشمن در تسلط بر دنیای اسلام، القای الگوهای غلط اداره کشورهای اسلامی و به‌ویژه در محور اقتصاد دنیای اسلام است که اقتصاد آنها را همواره، وابسته به کشورهای مبدأ قرار بدهد و بیش از آنچه منافع آنها شامل حال آنها بشود، بتوانند از

منابع کشورهای اسلامی استفاده نکنند. در مقابل، آنچه پادزهر این حرکت شوم دشمن است، شناخت هدف، شناخت دشمن، شناخت توان و ظرفیت دنیای اسلام و طراحی یک طرح اقدام مشترک بر اساس این محورها خواهد بود. «اگر ما بتوانیم بنیانگذاری کارهای اقتصادی بر پایه‌ی دانش را پیش ببریم و به وجه غالب اقتصاد کشور تبدیل کنیم، این نه تنها به کشور قدرت اقتصادی خواهد داد، بلکه قدرت سیاسی هم خواهد داد، قدرت فرهنگی هم خواهد داد. وقتی یک کشوری احساس کرد که با علم خود، با دانش خود میتواند زندگی خود را و ملت خود را اداره کند و به دیگر ملتها خدمت برساند، احساس هویت میکند، احساس شخصیت میکند؛ این درست همان چیزی است که ملتهای مسلمان امروز به آن احتیاج دارند.» (۹۱/۵/۸)

۲. کج فهمی و بی‌اطلاعی؛ مانع اتحاد

چیزهایی مانع از اتحاد می‌شود. عمده‌ی آنها بعضاً کج فهمی‌ها و بی‌اطلاعی‌هاست؛ از حال هم خبر نداریم؛ درباره‌ی هم توهّمات می‌کنیم؛ درباره‌ی عقاید هم، درباره‌ی تفکرات یکدیگر دچار اشتباه می‌شویم؛ شیعه درباره‌ی سنی، سنی درباره‌ی شیعه؛ فلان ملت مسلمان درباره‌ی آن ملت دیگر، درباره‌ی همسایه‌اش؛ سوء تفاهم‌ها، که دشمنان هم بشدت بر این سوء تفاهم‌ها دامن می‌زنند. (۱۳۸۶/۱/۱۷)

۳. عوامانه شدن اختلافات مذهبی؛ عامل درگیری بین مسلمانان

اختلاف بین طرفداران دو عقیده بر اثر تعصبات، یک امری است که هست و طبیعی است... این اختلافات وقتی به سطوح پایین - مردم عامی - می‌رسد، به جاهای تند و خطرناکی هم می‌رسد؛ دست به گریبان می‌شوند. علما می‌نشینند با هم حرف می‌زنند و بحث می‌کنند؛ لیکن وقتی نوبت به کسانی رسید که سلاح علمی ندارند، از سلاح احساسات و مشت و سلاح مادی استفاده می‌کنند که این خطرناک است. (۱۳۸۵/۱۰/۲۵)

۴. تعطیلی فعالیت‌های علمی به بهانه وحدت امت اسلامی

برخی از دغدغه‌مندان شیعه در مقابله با نظریه وحدت اسلامی اشکال میکنند به بهانه وحدت، دنبال تعطیلی کارهای علمی هستند و میخواهند به شبهاتی که علیه دین و مذهب ترویج میشود، سکوت کنید و این خیانت به اسلام و مسلمین است. در این باره باید بیان کرد که هیچ کس مخالف تعطیلی فعالیت‌های علمی نیست بلکه، مساله شیوه انجام این کار و اولویت پرداخت به موضوعات است. رهبر انقلاب صریحاً نکاتی را می‌فرمایند که لازم است در شیوه پاسخ به شبهات و فعالیت‌های علمی مد نظر داشته باشیم.

۴.۱. عدم ترویج این مباحث در بین عموم مردم و پیروان مذاهب که در سطح نخبگانی حضور ندارد. «هر کسی اگر می‌خواهد مذهب خودش را داشته باشد. اگر می‌خواهند بحث مذهبی نکنند هیچ اشکالی ندارد، بحث علمی مذهبی بین علما و بین صاحبان فن بکنند بنشینند این کار را بکنند. منتها نه در منظر و مرئای مردم، بلکه در جلسات علمی بنشینند با هم بحث کنند. او استدلالش را بگوید آن استدلالش را بگوید، یا یکی قانع می‌شود یا قانع نمی‌شود، این‌ها اشکال ندارد.» (۱۳۹۰/۷/۲۰)

۴.۲. عدم نفی مذاهب با ادبیات‌های مختلف. «مقصود ما از اتحاد بین مسلمین این است که همدیگر را نفی نکنند.» (۱۳۷۳/۶/۴)

۴.۳. عدم تولید تنفر و بغض به اهل سنت به بهانه دفاع از مذهب. «البته ما بارها این را عرض کردیم که گفتن تاریخ با رعایت موازین، با رعایت ادب، با رعایت جهات مهم مصلحتی اشکال ندارد لکن جلوگیری از ایجاد اختلاف، ایجاد بغض، از جمله چیزهایی است که امروز خیلی باید مورد توجه قرار بگیرد.» (۱۳۹۴/۱۲/۲۰)

۴.۴. عبور از مسائل تاریخی که بازخوانی و جدال بر سر آن کمکی به وضعیت موجود ما نخواهد کرد. «اگر کسی مخلصاً لله احساس می‌کند که باید امروز بین برادران، برادری واقعی و عملی باشد باید کوشش کند که گذشته را به یادها نیاورد، و الا او می‌رود کتاب احقاق الحق را می‌آورد و به رخ این می‌کشد و این هم می‌رود کتاب تحفه اثنا عشریه را می‌آورد و به رخ آن می‌کشد. هر دو هم به قدر کافی کتاب پر از طعن و دفع علیه همدیگر نوشتند اگر ما بخواهیم گذشته را مطرح کنیم نمی‌شود به وحدت رسید باید نگاه کنیم بگوئیم گذشته گذشته است رحم الله معشر المازین ما کاری به کار آنها نداریم. اگر آنها کاری کردند ما امروز می‌خواهیم تکلیف خودمان را نگاه کنیم. بینا و بین الله امروز ما باید با همدیگر توحید کلمه و رفاقت و برادری داشته باشیم. اگر بخواهیم این را عمل بکنیم باید از گذشته صرف نظر کنیم.» (۱۳۶۸/۱۰/۵)

۴.۵. رعایت ادب و دیدن برخی مصلحت‌های در پاسخ به شبهات و تبیین تاریخ. «البته ما بارها این را عرض کردیم که گفتن تاریخ با رعایت موازین، با رعایت ادب، با رعایت جهات مهم مصلحتی اشکال ندارد لکن جلوگیری از ایجاد اختلاف، ایجاد بغض، از جمله چیزهایی است که امروز خیلی باید مورد توجه قرار بگیرد.» (۱۳۹۴/۱۲/۲۰)

۴.۶. عدم تحریک عواطف مذهبی اهل سنت. «بدانید تحریک عواطف مذهبی برادران اهل سنت کار بسیار خطا و گناه است؛ این را به عنوان یک اصل بپذیرید. یک نقاط اختلافی وجود دارد. تکیه بر روی این نقاط، شعله‌ور کردن آتش تعصبات در این نقاط اختلاف، این درست همان چیزی است که امروز سازمانهای جاسوسی امریکا و اسرائیل دنبالش هستند؛ این همان چیزی است که آنها میخواهند. بعضیها ناخواسته و بدون جیره و مواجب میشوند مزدور آنها و خشم الهی و سخط الهی را برای خودشان فراهم میکنند.» (۱۳۸۶/۸/۲۳)

۴. پیشنهادات و راهکارهایی برای تحقق وحدت اسلامی

۱. برجستگان مبارزه‌ی با استعمار بر وحدت تکیه کنند

شما می‌بینید برجستگان مبارزه‌ی با استعمار و استکبار، روی مسئله‌ی «وحدت امت اسلامی» تکیه‌ی مضاعف کرده‌اند. شما ببینید سیدجمال‌الدین اسدآبادی (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) معروف به افغانی و شاگرد او شیخ محمد عبده و دیگران و دیگران، و از علمای شیعه مرحوم شرف‌الدین عاملی و بزرگان دیگری، چه تلاشی کردند برای اینکه در مقابله‌ی با استعمار نگذارند این وسیله‌ی راحت در دست استعمار، به یک حربه‌ی علیه دنیای اسلام تبدیل شود. امام بزرگوار ما از اول بر قضیه‌ی وحدت اسلامی اصرار می‌کرد. (۱۳۸۵/۱۰/۲۵)

همچنین ایجاد این بیداری و خواست عمومی بر عهده‌ی خواص دنیای اسلام است: «سیاستمداران، علما، دانشمندان، دانشگاهیان، طبقات بانفوذ و صاحب فکر، شعرا، نویسندگان، تحلیلگران سیاسی و اجتماعی، اینها میتوانند اثر بگذارند. فرض بفرمایید اگر ده سال همه‌ی مطبوعات دنیای اسلام بر روی اتحاد مسلمین تکیه کنند، مقاله بنویسند، شاعر شعر بگوید، تحلیلگر تحلیل کند، استاد دانشگاه تبیین کند، عالم دینی حکم کند، بلاشک در طول این ده سال وضعیتی بکلی عوض خواهد شد؛ ملت‌ها که بیدار شدند، ملت‌ها که علاقه‌مند شدند، دولتها ناچار میشوند در آن جهت حرکت بکنند.» (۱۴۰۳/۶/۳۱)

۲. وجود نبی مکرّم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم؛ بزرگترین مایه وحدت اسلامی

وجود نبیّ مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله وسلم، بزرگترین مایه‌ی وحدت در همه‌ی ادوار اسلامی بوده است و امروز هم می‌تواند باشد؛ چون اعتقاد آحاد مسلمانان به آن وجود اقدس بزرگوار، با عاطفه و عشق توأم است و لذا آن بزرگوار، مرکز و محور عواطف و عقاید همه‌ی مسلمانهاست و همین محوریت، یکی از موجبات انس دل‌های مسلمین و نزدیکی فرّقی اسلامی با یکدیگر به حساب می‌آید. (۱۳۶۸/۸/۲۴)

همچنین تهاجم دنیای غرب به شخصیت حضرت محمد رسول الله (ص) که بعد از دوران قرون وسطی که در دنیای مغرب زمین، تهاجم تبلیغاتی وسیعی نسبت به شخصیت رسول اکرم (ص) انجام گرفت و دشمنانِ سوگندخورده‌ی اسلام فهمیدند که یکی از راه‌های مبارزه با اسلام این است که چهره‌ی نبیّ مکرّم اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) را مخدوش بکنند و کارهای زیادی هم در این زمینه انجام گرفت، تا امروز که دشمن به نحو مستمر و با شیوه‌های مختلف، روی امحای شخصیت پیامبر از ذهن‌های آزادگان عالم کار کرده است، مردم بسیاری در دنیا هستند که اگر پیامبر اسلام را به همان اندازه‌ی که مسلمانها می‌شناسند یا حتّی کمتر از آن بشناسند - یعنی حقیقتاً فقط شبی از آن چهره‌ی منور بر دل‌های آنان آشکار بشود - عقیده و گرایش آنها نسبت به اسلام و معنویت اسلامی تضمین خواهد شد. ما باید روی این مسأله کار کنیم. (۱۳۶۸/۷/۲۴)

۳. مسأله غدیر؛ یکی از محورهای وحدت اسلامی

مسأله غدیر هم می‌تواند مایه وحدت باشد... مسأله غدیر، غیر از جنبه‌ای که شیعه آن را به عنوان اعتقاد قبول کرده است، اصل مسأله ولایت هم مطرح شده است. این دیگر شیعه و سنی ندارد. غدیر یک مسأله‌ی اسلامی است؛ یک مسأله‌ی فقط شیعی نیست. اگر امروز مسلمانان جهان و ملت‌های کشورهای اسلامی، شعار ولایت اسلامی سر دهند، بسیاری از راه‌های نرفته و گره‌های ناگشوده امت اسلامی باز خواهد شد و مشکلات کشورهای اسلامی به حل نزدیک خواهد گشت. (۱۳۷۹/۱/۶)

۴. ارشاد گروه‌های افراطی و آگاه‌سازی مردم؛ وظیفه علما

آن کسانی که بدون فهم، فهم حقیقت، بدون تقوا، جمعیت عظیمی از مسلمانان را از دین خارج می‌دانند، خارج می‌کنند، تکفیر می‌کنند این گروه‌های تکفیری نادان اینها را بایستی ما تا آنجایی که می‌توانیم، ارشاد کنیم؛ مردم را از اینها بترسانیم که مردم ما «و لتصفی الیه افئدة الذین لایؤمنون بالآخره و لیرضوه و لیقترفوا ما هم مقترفون» بعضی‌ها به خاطر ضعف ایمان، به خاطر ضعف معرفت، مجذوب این حرف‌های دشمنان می‌شوند. ما باید مراقبت کنیم. وظیفه‌ی علما، وظیفه‌ی سنگینی است. (۱۳۶۸/۷/۲۴)

۵. تهیه منشور وحدت اسلامی

علما و روشنفکران اسلام بنشینند و منشور وحدت اسلامی را تنظیم کنند؛ منشوری تهیه کنند تا فلان آدم کج فهم متعصب وابسته‌ی به این، یا فلان، یا آن فرقه‌ی اسلامی، نتواند آزادانه جماعت کثیری از مسلمانان را متهم به خروج از اسلام کند؛ تکفیر کند. تهیه‌ی منشور جزو کارهایی است که تاریخ، امروز از روشنفکران اسلامی و علمای اسلامی مطالبه می‌کند. اگر شما این کار را نکنید، نسل‌های بعد از شما مؤاخذه خواهند کرد. (۱۳۸۶/۱/۱۷)

به هر حال نتیجه‌ی تفرقه سلطه‌ی دشمنان اسلام است که خود را به آشکال گوناگونی نمایان می‌کند. نسل‌کشی بی‌سابقه‌ی امروز مردم مظلوم غزه به دست باند جنایت‌کار صهیون که در سایه‌ی حمایت کشورهای غربی و بی‌عملی مجامع بین‌المللی انجام می‌شود، تنها یکی از تبعات خسارت‌بار فقدان «امت اسلامی» است، که امید است این امر ان شاءالله به زودی محقق شود.

نتیجه‌گیری

مفهوم «امت اسلامی»، از منظر آیت الله خامنه‌ای، سیری روشن و منطقی دارد؛ باید مسیری را پیمود که به بیداری و احساس نیاز واقعی ملت‌های اسلامی به اتحاد و انسجام عملی و مؤثر منجر شود. ایجاد این بیداری و خواست عمومی بر عهده‌ی خواصّ دنیای اسلام است: «سیاستمداران، علما، دانشمندان، دانشگاهیان، طبقات بانفوذ و صاحب فکر، شعرا، نویسندگان، تحلیلگران سیاسی و اجتماعی، اینها میتوانند اثر بگذارند. فرض بفرمایید اگر ده سال همه‌ی مطبوعات دنیای اسلام بر روی اتحاد مسلمین تکیه کنند، مقاله بنویسند، شاعر شعر بگوید، تحلیلگر تحلیل کند، استاد دانشگاه تبیین کند، عالم دینی حکم کند، بلاشک در طول این ده سال وضعیّت بکلی عوض خواهد شد؛ ملت‌ها که بیدار شدند، ملت‌ها که علاقه‌مند شدند، دولت‌ها ناچار میشوند در آن جهت حرکت بکنند.» (۱۴۰۳/۶/۳۱) در واقع نگاه رهبر انقلاب به ساخت «امت اسلامی» واقع‌گرایانه و دور از سطحی‌نگری و شعارزدگی است. ساخت «امت اسلامی»، به معنای واقعی کلمه، کاری سهل و سریع نیست و در این راه، موانع و چالش‌های ریز و درشت متعدّدی وجود دارد. دشمنان دنیای اسلام که امروزه بیشترین منفعت را از عدم اتحاد دنیای اسلام می‌برند، اصلی‌ترین مانع احقاق این هدف متعالی هستند. تشکیل «امت اسلامی» دست آنان را از بسیاری تعدّی‌ها و زیاده‌خواهی‌ها و دخالت‌ها در پهنه‌ی وسیع عالم اسلامی کوتاه می‌کند و از این منظر، عجیب نیست که نگران این موضوع باشند و از تمامی ابزار و امکانات در دسترس خود برای ممانعت از اتحاد و انسجام دنیای بزرگ اسلام استفاده کنند و این نکته‌ای بود که در بیانات اخیر رهبر انقلاب بدان تاکید شد.

نکته دیگر که در این مقاله بدان پرداخته شد، در کنار استفاده از توانایی‌ها و موقعیت فردی، باید به برخی نکات دیگر نیز توجه کرد از جمله اینکه بنا به تاکید دقیق رهبر انقلاب، صدور پیام وحدت به دنیای اسلامی و زمینه‌سازی برای تشکیل، اتحاد و انسجام امت اسلامی، یک پیش‌زمینه‌ی بسیار مهم و جدّی دارد که عبارت است از اتحاد و انسجام در داخل کشور: «این را هم ما خودمان و مردم کشور خودمان توجّه داشته باشیم که اگر ما می‌خواهیم پیام ما، پیام وحدت ما، در دنیا صادّقانه تلقّی بشود، باید بین خودمان این اتحاد را ایجاد کنیم. اختلاف سلیقه و اختلاف نظر و اختلافات سیاسی و امثال اینها نباید در همدستی و هم‌بازویی و همگامی ملت و همدلی ملت تأثیر بگذارد؛ دنبال اهداف حقیقی باید حرکت کنیم.» (۱۴۰۳/۶/۳۱) و اما نکته مهم دیگری که در این نوشتار بدان اشاره شد آنکه رهبر انقلاب نسبت به آن هشدار دادند، فعال کردن گسل‌های مذهبی است. بی شک آنان که دغدغه تشکیل امت اسلامی را دارند در این زمین که توسط دشمن تعریف شده بازی نمی‌کنند و در جهت عکس آن می‌کوشند.

به هر حال امید است که به فضل الهی این آگاهی در میان مسلمانان جهان گسترش یابد و ملت‌های اسلامی، به تشکیل امت واحده اسلامی نزدیکتر شوند. همانگونه که آیت الله خامنه‌ای فرمودند: «اسلام ثابت کرده است ظرفیت آن را دارد که امت خود را به اعتلای مدنی و علمی و عزت و قدرت سیاسی برساند. ایمان و مجاهدت و پرهیز از تفرقه، تنها شرط‌های تحقق این هدف بزرگ است.» (۱۳۷۶/۹/۱۸)

فهرست منابع:

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

- ۱- احمد بن حنبل، مسند، جلد ۴، المكتبة الاسلاميه، ۱۳۸۹ق/۱۹۶۹ م.
- ۲- بخاری، محمد، صحيح، جلد ۴، به كوشش كرل، ليدن، ۱۸۶۲-۱۹۰۸ م.
- ۳- بغدادی، احمد خطیب، شرف اصحاب الحديث، جلد ۱، به كوشش محمد سعيد خطیب اوغلی، آنکارا، ۱۹۷۱ م.
- ۴- رحيم پور ازغدی، حسن، موسسه ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی دفتر مشهد، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷.
- ۵- رجبی، هادی، «بازشناسی مفهوم "امت اسلامی" در گفتمان انقلاب اسلامی و راهبردهای تحقق آن» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۱۰، ش ۴، زمستان ۹۹، ص ۱۲۲-۱۰۵
- ۶- زارعی، بهادر، «تحلیل تئوری امت در قلمرو جغرافیای سیاسی اسلام»، فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰، صفحات ۱۶۹-۱۵۳.
- ۷- شریعتی، علی، امامت و امت، انتشارات سپیده باوران، فروردین ۱۳۴۸.
- ۸- صفوی، یحیی، وحدت جهان اسلام، چشم انداز از آینده، تهران: شکيب، ۱۳۸۷.
- ۹- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، جلد ۱۴.
- ۱۰- طبری، اختلاف الفقها، جلد ۱، ليدن، ۱۹۳۳ م.
- ۱۱- قاضی شریعت پناهی، سيد ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، چاپ ۱۳، انتشارات میزان، ۱۳۹۳.
- ۱۲- موثقی، احمد، جنبش های اسلامی معاصر، انتشارات سازمان سمت، ۱۳۹۰.
- ۱۳- هاشمی، سيد محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد ۱، اصول و مبانی کلی نظام، چاپ ۱۲، انتشارات میزان، ۱۳۹۳.